

دو فصلنامه بین المللی تحقیقات حقوق قضایی

License Number: 86227 Article Number: Y4N917824 ISSN-P: 2717-1132

تحلیل فقهی و حقوقی حفاظت از محیط زیست با مذاقه در

اصل اباحه در استفاده از محیط زیست

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۶/۱۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۰۶/۲۹)

کوروش نوروژی

دانش آموخته کارشناسی ارشد جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه

چکیده

حفاظت از محیط زیست، عبارتست از تلاشی که به منظور حفظ سلامتی محیط و انسان‌ها، در سطوح شخصی، سازمانی یا دولتی، از محیط طبیعی محافظت می‌کند. موضوع محیط زیست پیوسته در زندگی بشر اهمیت بیشتری می‌یابد. افزایش ساکنان کره زمین، توسعه تمدن صنعتی و ماشینی آثار اجتناب ناپذیری به بار آورده و بیش از همه سلامت محیط زیست را در معرض تهدید قرار داده است. همه روزه با خبرهای هولناکی روبرو هستیم که در اثر بروز عوامل طبیعی یا اقدام های بشری محیط زیست و حیات انسان و جانداران دیگر در معرض آسیب های تازه ای قرار گرفته است. نگاهی کوتاه به برخی از این موارد عمق فاجعه را به تصویر می کشد. با توجه به اهمیت این موضوع قصد داریم در مقاله حاضر به تحلیل فقهی و حقوقی حفاظت از محیط زیست با مذاقه در اصل اباحه در استفاده از محیط زیست بپردازیم. روش تحقیق از نوع تحلیلی-توصیفی بوده و ابزار گردآوری اطلاعات و داده ها فیش برداری است.

واژگان کلیدی: محیط زیست، اصل اباحه، بهره برداری از منابع زیست محیطی، حکم

شرع، منابع طبیعی



بخش اول: بررسی و شناخت محیط زیست و هدف حقوق محیط زیست

در یک تعریف ساده می توان گفت که محیط زیست عبارت است از هر آنچه که پیرامون ما را احاطه نموده است. در این تعریف، محیط زیست خود به دو دسته محیط زیست طبیعی و انسان ساخت تقسیم می گردد. محیط زیست طبیعی شامل آن قسمت از محیط پیرامون ما است که بدون دخالت بشر بوجود آمده است، نظیر کوهها، جنگل های طبیعی و... اما محیط زیست انسان ساخت شامل آن قسمت از محیط پیرامون ماست که در اثر دخالت بشر به وجود می آید. در این مفهوم، ابنیه و آثار ساخته دست بشر مهمترین نمونه های آن به شمار می رود. به هر حال محیط زیست، چه به صورت طبیعی و چه به صورت انسان ساخت، در کیفیت زندگی بشر نقش بسیار قابل توجهی داشته و اهمیت حفاظت از آن بر هیچ کس پوشیده نیست لذا جهت ادامه حیات و همچنین ارتقاء سطح زندگی بشر، ناگزیر به حفاظت از آن می باشیم. همچنین با توجه به اینکه بحث حفاظت از محیط زیست به مسئله حیات انسانها و سایر موجودات زنده باز می گردد و توجهات به این مطلب که تخریب و نابود کردن محیط زیست می تواند آثار بسیار بدی بر سلامتی جسمی و روانی انسان و سایر موجودات زنده داشته باشد، مسئله حفاظت از محیط زیست و به تبع آن، حقوق کیفری محیط زیست اهمیت خود را آشکار می سازد. حقوق محیط زیست شاخه ای از علم حقوق است که از دیدگاه حقوقی به مقوله حفاظت از محیط زیست می پردازد. در این معنا، بحث حفاظت و حمایت از طبیعت و منابع طبیعی جنبه واقعی به خود می گیرد و قانونگذار در قالب مقررات، افراد و حتی دولت را ملزم به رعایت قواعدی می نماید که هدف نهایی آنها حفاظت از محیط زیست است. کاربرد علم حقوق در زمینه حفاظت از محیط زیست، از دو جهت قابل توجه به نظر می رسد:

- ۱- ایجاد الزام قانونی برای رعایت موازین زیست محیطی به نحو گسترده و عمومی
- ۲- پی ریزی ضمانت های اجرایی لازم، جهت تحقق مسئله حفاظت از محیط زیست که مقوله دوم خود از جهات مختلف به ضمانتهای مدنی، کیفری و اداری قابل تقسیم می باشد.

بخش دوم: نگاهی به منابع حفاظت از محیط زیست در اسلام

شرع مقدس اسلام در قانونگذاری فعلی ایران نقش تعیین کننده دارد. برابر اصل چهارم قانون اساسی، کلیه قوانین و مقررات جزایی، مالی، اقتصادی، اداری و غیراین ها باید



براساس موازین اسلام باشد. از سوی دیگر برابراصل ۷۲ همان قانون، مجلس شورای اسلامی نمی تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. بنابراین با توجه به دو اصل مذکور، اهمیت و جایگاه موازین شرعی در قانون گذاری کشور مشهود می گردد. بدیهی است با توجه به اصول مذکور، الزم به وضع و تصویب قوانین منطبق با موازین شرعی، شامل وضع و تصویب قوانین و مقررات زیست محیطی نیز می گردد. در شرع مقدس اسلام نسبت به مسئله حفاظت از محیط زیست توجه شده است به گونه ای که در کلام خداوند و همچنین روایات احادیث منتسب به پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) توصیه هایی در این زمینه وجود دارد. در این جا به پاره ای از این آیات و احادیث اشاره می شود:

۱. آیه ۶۱ سوره هود بیان می دارد: " هو انشاکم من الارض و استعمرکم فیها" یعنی خداوند شما را در زمین خلق کرد و شما را به عمارت و آباد کردن زمین گماشت. به عبارت دیگر، در این آیه به طور ضمنی تخریب زمین و محیط زیست، ممنوع شده است.
۲. آیه ۴۹ سوره قمر بیان می دارد: " انا کل شیء خلقناه بقدر" یعنی ما همه چیز را به اندازه خلق کردیم، از این آیه مسئله حفظ تعادل محیط زیست و منبع بهره برداری بیش از حد از طبیعت قابل استخراج است.
۳. خداوند ر آیه ۳۰ سوره انبیا می فرماید: " و جعلنا من الماء کل شیء حی: یعنی از آب همه چیز را زنده کردیم که دلالت بر نقش آب در زندگی و حیات موجودات زنده و لزوم حفاظت از منابع و ذخایر آبی دارد.
۴. در آیه ۱۳۴ سوره بقره آمده است: " و ما انزل الله من السماء من ماء فاحیا به الارض بعد موتها" یعنی خداوند آب را نازل کرد و زمین مرده را بوسیله آب زنده کرد. این آیه حکایت از نقش آب (و حفاظت از آن) در حیات موجودات زنده دارد.
۵. در اهمیت نقش آب آیه ۹۹ سوره انعام می فرماید: " و هو الذی انزل من السماء ماء فاخرجنا به نبات کل شیء " یعنی خداوند آب را از آسمان فرستاد و به وسیله آن همه چیز را خلق کرد^۱.

^۱ - در زمینه اهمیت آب آیه ۱۱ سوره انفال نیز قابل ذکر است.



۶. در آیه ۱۱ سوره بقره آمده است " واذ قبل لهم لا تفسدوا فی الارض قالو انما نحن مصلحون " یعنی چون به آنان گویند در زمین فساد نکنید، می گویند ما اصلاح گریم. در واقع این آیه ما را به دوری از هر گونه فساد در زمین (از جمله تخریب محیط زیست)دعوت می نماید..

۷. در آیه ۶۰ سوره بقره آمده است: " کولوا و اشربوا من رزق الله و لا تعثوا فی الارض مفسدین " یعنی از روزی خدا بخورید و بیاشامید و طبکارانه در زمین فتنه و آشوب (مانند تخریب طبیعت) بر پا نکنید.

۸. خداوند در آیه ۲۰۵ سوره بقره می فرماید: " و اذا تولی سعی فی الارض لیفسد فیها و یحلك الحرث و النسل والله لا یحب الفساد. " یعنی هنگامیکه، دشمن سرسختی (قدرت و حکومت یابد می کوشد که در زمین فساد و تباهی به بار آورد و زراعت و نسل را نابود کند و خدا فساد و تباهی را دوست ندارد.

۹. بر اساس حدیثی از پیامبر اسلام (ص) نقل شده است که ایشان فرمودند: از زمین محافظت کنید بدرستی که آن مادر شماسست.

علاوه بر موارد فوق، فتاوی، اظهارات و تأکیدات دیگری نظیر منع آلوده کردن آبها، منع اصراف بی رویه، منع آزار و اذیت حیوانات، لزوم حفاظت از درختان، جلوگیری از آلودگی هوا و... در متون اسلامی و نظرات عالمان دینی^۱ وجود دارد که تمامی آنها حکایت از اهمیت حفاظت از محیط زیست در اسلام دارد.

^۱ به عنوان نمونه آیت الله امامی کاشانی در یکی از خطبه های نماز جمعه تهران (سال ۱۳۹۰) حرمت آلودگی هوا را چنین بیان می دارد " : ضرر زدن به مسلمین حرام است و نیت اضرار هم به روح انسان آلودگی می دهد حتی اگر اضرار عملی نشده باشد... می بینیم که موتورها و ماشین ها بدون داشتن استاندارد لازم، مدام گاز می دهند، دود می کنند و فضا را آلوده می سازند و به همین خاطر چقدر مردم مریض می شوند یا به آنها ضرر می رسد که بدون شک همه اینها اضرار محسوب می شود و حرام است و کسانی که وسایل نقلیه شان خوب است ولی تک سرنشین حرکت می کنند و از وسایل نقلیه عمومی استفاده نمی کنند نیز فضا را به شکل دیگری خراب می کنند و اینها هم مصداق گناه است... اگر گناه طوری باشد که سلامت جامعه و جان مردم را به خطر بیندازد، گناه کبیره است. اگر انسان کاری کند که جانفرد یا افراد به خطر بیافتند، این امر مصداق مسئله دماء و خون است. چنانچه در مورد همین آلودگی می بینیم که افرادی بر اثر این هوا سرطان گرفته و افرادی فوت می کنند... در کشور ما گاهی وضع هوا اینطور می شود و البته دولت نظام هم وظایفی در قبال این مسئله دارند و باید در مواردی مه می شود جلوی مشکل ار گرفت، به هر نحو ممکن باید وظیفه خود را انجام دهند ولی همکاری ملت نیز بسیار اهمیت دارد. متأسفانه برخی افراد اصلاً ملاحظه نمی کنند و بد رانندگی می کنند که این امر اصلاً با اخلاق زندگی همخوانی ندارد. ممکن است گفته شود که هزاران وسیله نقلیه در آلودگی سهیم هستند و تنها وسیله نقلیه ما کاری نمی کند ولی باید دانست که زیاد بودن وسیله و کثرت وسایل گناه را از روی دوش تک تک افراد بر نمی دارد و همه در این گناه شریک هستند "

بخش سوم: بررسی مبانی فقهی حفظ محیط زیست

بند اول: عقل

پیش از بررسی این دلیل باید اشاره کرد، علت پیشتر آوردن دلیل عقل همان تقدّم رتبی مباحث عقلی بر مباحث نقلی محض است و اینکه عقلی بودن احکام سبب می شود مباحث شرعی مطرح در مورد حکم عقل حیثیت ارشادی و تأکیدی پیدا کند و به عنوان حکم تأسیسی و مولوی به آن نظر نشود. از این رو، بحث خود را با دلیل آغاز می کنیم.^۱

مقصود از حکم عقل در موضوع محیط زیست بخشی از مدرکات عقل عملی است که در کتب اصولی متأخر مورد عنایت واقع شده و بر قاعده کلامی حسن و قبح عقلی که نزد عدلیه به رسمیت شناخته شده و نیز قاعده ملازمه میان حکم عقل و حکم شرع استوار گشته است. کوتاه سخن در باب دلیل عقل این که هر گونه اقدام انسانی که به بر هم خوردن توازن و تعادل محیط زیست بینجامد و موجب اخلال در نظام زندگی و هلاک نوع بشر شود، قبیح است. در مقابل، تلاش آدمی در جهت حفظ و صیانت محیط زیست و احیای آن که به تقویت توازن و تعادل عناصر آن می انجامد، موجب حفظ نظام و بقای نوع و مصداق عمل نیکو است. رکن اساسی این دلیل مسأله حفظ نظام و بقای نوع آدمی است که از جمله قضایای مشهوره محسوب می شود که آرای عقلا جملگی بر آن استقرار یافته و شارع هم به عنوان رئیس عقلا و خالق عقل با این حکم همراه گشته است. نتیجه حکم به ضمیمه قاعده ملازمه حکم عقل و شرع وجوب شرعی اصلاح محیط زیست و حرمت تخریب آن است. بیان تفصیلی تر دلیل عقل بر مبحثی انسان شناسانه ابتدا می یابد. بدون تردید، انسان در میان مجموعه آفرینش دارای جایگاه برتر و خلقت استثنایی است. او موجودی است مشمول کرامت الهی^۲ که به حکم استخلاف بر زمین سلطه یافته^۳ و جهان و عناصر آن در تسخیر اوست.^۴ همه چیز در این جهان به طفیل او آفریده شده است^۵ و طبیعت و نظم

^۱ باید دانست عقلی بودن حکم به منزله غیر شرعی بودن نیست؛ چه آنکه عقل به عنوان یکی از منابع شرع محسوب می شود و اصولاً مقابل نهادن عقل و شرع کار باطلی بوده و درست آن است که عقل در برابر نقل بنشیند.

^۲ وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَخَلَقْنَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَفَضَّلْنَاهُ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلاً (اسراء / ۷۰).

^۳ هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ... (انعام / ۱۶۵).

^۴ سَخَّرْ لَكُم مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ... (جاثیه / ۱۳).

^۵ هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً... (بقره / ۲۹).



ساختاری آن هم تحت سیطره آدمی است و باید در راستای بقا و کمال او استخدام گردد. بی گمان، به هم خوردن این نظم مشکلات اساسی پدید می آورد و آسیب های جدی به انسان وارد می سازد. هر اقدامی بدان منتهی شود ظالمانه و قبیح می باشد و در برابر هر تلاشی برای تحکیم نظم و سازمان محیط زیست از آن جا که موجب تسهیل و تیسیر کمالات آدمیان است عادلانه و نیکو خواهد بود. ناگفته پیداست این بیان از دلیل عقل آن را در زمره غیر مستقلات عقلیه قرار می دهد؛ چرا که بر نگرش دینی و نصوص شرعی درباره جایگاه انسان در مجموعه آفرینش مبتنی است.

نکته دیگر در این باب این که حکم عقل در مقوله محیط زیست از جمله احکام مبتنی بر حُسن و قبح اقتضایی است. به بیان دیگر، حسن اقدام به اصلاح محیط زیست و جلوگیری از هدم آن اقتضایی و قبح اقدام به تخریب و نابودی آن هم اقتضایی است و این دو علت تأمه برای حسن و قبح نمی باشند، بدان جهت که عناوین الزامات مربوط به محیط زیست، قطعی، همیشگی و استثنا ناپذیر نیست؛ چه آن که در شرایط تزاحم با مصلحت برتر، مصلحت سلامت محیط زیست مغلوب می شود. آیاتی از قبیل ﴿مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لَيْنَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَى أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ...﴾ (حشر: ۵) و اقدام پیامبر (ص) به قطع درختان نخل و تحریق آن ها در جریان بنی نضیر^۱ و بعضی از دستورهای دینی در باب شرایط جهاد مشروع که با مسأله صیانت از محیط زیست تعارض دارد در همین راستا تبیین می شود. به درستی معلوم است اگر احیا و اصلاح محیط زیست علت تأمه برای حسن و تخریب و هدم آن علت تأمه قبح بود هرگز استثنا در آن راه نمی یافت، چه آن که احکام عقلی محض تخصیص پذیر نیست.

بند دوم: قرآن کریم

۱-۲ ﴿وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ يَحِبُّ الْفُسَادَ﴾ (بقره/۲۰۵).

روایت شده که این آیه در شأن منافقی به نام اخنس بن شریق ثقفی نازل شده است. وی در مدینه نزد پیامبر به اسلام تظاهر کرد و چون بیرون آمد به کشتزار گروهی از مسلمانان گذر

^۱ طبرسی، ابوعلی فضل بن الحسن (د. ۶۰ ق.)؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الاعلمی، الطبعة الاولى، جلد ۹، ص ۴۲۶.

نمود، آنجا را آتش زد و چارپایی را پی کرد.^۱ علامه طباطبایی در تفسیر این آیه کریمه می گوید: قوام نوع انسان را به دو مقوله تغذیه و تولید مثل وابسته دانسته است. او سپس به اتکای تغذیه آدمی به حیوان و گیاه و اهمیت حفاظت گیاه از طریق حرث و تربیت نبات اشاره می کند و بر این باور می گردد که افساد در زمین از طریق اهلاك حرث و نسل انجام می شود.^۲ طبق این بیان به درستی باید پذیرفت که تخریب منابع محیط زیست از آن جا که مآلاً به هلاک نسل آدمی می انجامد، مصداق بارز فساد در زمین است. از سویی، آیه کریمه در مقام استنکار فساد در زمین است و طبق ذیل آیه هر گونه فساد محسوب الهی نیست و اراده تشریعی خداوند به ضد آن تعلق گرفته است. این معنا به ضمیمه نهی ﴿لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا﴾ (اعراف: ۸۵) کبرای قیاس را تشکیل می دهد و نتیجه آن حرمت هر گونه اقدام تخریب کننده و ویرانگر در محیط زیست می باشد.

از تعابیر برخی فقیهان بر می آید که ایشان از بین بردن جانداران را مصداق فساد یافته و مشمول حکم آیه دانسته اند. به طور مثال عبدالله بن قدامه با اشاره به روایاتی که از کشتن زنبور عسل و دیگر جنبندگان نهی می کند، این قبیل کارها را فساد یافته و در ذیل آیه جای می دهد.^۳ ابن حزم نیز پس از نقل این فتوای ابوحنیفه که نمی توان کسی را به حفظ مال خود اجبار کرد و چنانچه کسی بخواهد نخل خویش را رها گذارد نمی توان او را به آبیاری آن وادار ساخت از این فتوا اظهار شگفتی می کند و خود بدان می گراید که چنانچه ترک آبیاری به از میان رفتن محصول و درخت بینجامد باید شخص را به آبیاری مجبور کرد.^۴ وی به آیه کریمه استشهاد می کند و این امور را مصداق فساد در زمین و اهلاك حرث و نسل می شمارد.

۲-۲ ﴿هُوَ أَنْشَأَ كُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَ كُم فِيهَا...﴾ (هود: ۶۱)

عمارت به معنی قرار دادن زمین در حالتی است که بتوان از فوائد مترتب بر آن انتفاع

^۱ واحدی نیشابوری، علی بن احمد (د. ۴۶۸ ق.)؛ اسباب نزول الایات، قاهره: مؤسسه الحلبي و شرکاؤه، ۱۳۸۸ ق، ص ۲۹ و سیوطی، جلال الدین (د. ۹۱۱ ق.)؛ الدر المنثور، جده: دارالمعرفة، الطبعة الاولى، ۱۳۶۵ ق، ص ۴۲۶.

^۲ طباطبایی، محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، جلد ۲، ص ۹۶.

^۳ ابن قدامه، عبدالله بن احمد (د. ۶۲۰ ق.)؛ المغنی، بیروت: دار الکتب العربی، بیروت، بی تا، جلد ۱۰، ص ۵۰۶.

^۴ ابن حزم، علی بن احمد (د. ۴۵۶ ق.)؛ المحلی، تحقیق احمد محمد شاکر، دارالفکر، بیروت: بی تا، جلد ۱۰، ص ۱۰۰.



جست^۱. درباره استعمار از جمله گفته اند: معناه آمرکم من عمارتها بما تحتاجون إليه من المساکین والزراعات و غرس الاشجار^۲. برخی از فقیهان نیز از دلالت آیه بر وجوب عمران و آبادانی زمین با کشت و زرع و کاشت درخت و احداث ابنیه سخن گفته اند^۳؛ چرا که استعمار طلب عمران بوده و طلب مطلق از خداوند دالّ بر وجوب است^۴. بنابراین باید گفت: آیه کریمه به دلالت منطوقی بر لزوم اقدام به عمران و آبادانی محیط زیست انسانی و با ملازمه عقلی بر نهی از ضد آن یعنی عدم عمران دلالت دارد و چون از عدم عمران نهی شده باشد به اولویت قطعی تخریب و ویرانی زمین هم متعلّق نهی شرعی خواهد بود.

۲-۳ ﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ (روم/۴۱).

به گفته علامه طباطبایی در المیزان ظاهر این آیه عام بوده است و تمامی اشکال فساد و هر آنچه نظام زندگی بشر در کره زمین را تهدید می کند شامل می شود، خواه این مفاسد و خرابی ها مستند به سوء اختیار آدمیان باشد از قبیل جنگ ها و یورش ها و ناامنی ها، و خواه مستند بدان نباشد از قبیل حوادث طبیعی، زلزله، خشکسالی و انتشار بیماری های مسری و مانند آن.^۵ آیه کریمه ناظر به عواقب ناخوشایند دنیوی است که بشر باید در نتیجه مفاسد آشکار در زمین آن را متحمّل شود.

بی گمان، کلیه اقداماتی که به تخریب و نابودی منابع محیط زیست بینجامد و همچنین ویرانی های سطح کره زمین از قبیل فرسایش ها، سیلاب های مخرب و از این دست که از سوء تدبیر آدمیان و عدم اقدام مسئولانه آنان برای پیشگیری سر چشمه می گیرد مصداق فساد ظاهر در آیه کریمه محسوب می شوند، به گونه ای که پیش از عقوبت اخروی باید کیفر دنیوی آن را چشید. این عقوبت دنیوی نظاره گر شدن ویرانی محیط زیست انسان و به هم خوردن تعادل و توازن آن است که بلایای انبوهی را بر سر انسان می آورد.

^۱ طباطبایی، پیشین، جلد ۱۰، ص ۲۲۶.

^۲ طبرسی، پیشین، جلد ۵، ص ۲۶۴.

^۳ جصاص، احمد بن علی رازی (د. ۳۷۰ ق.)؛ احکام القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه، الطبعة الاولى، ۱۴۱۵ ق، جلد ۳، ص ۲۱۳.

^۴ قرطبی، محمد بن احمد (د. ۶۷۱ ق.)؛ الجامع لاحکام القرآن، بیروت: مؤسسه التاريخ العربی، ۱۴۰۵ ق، جلد ۹، ص ۵۵.

^۵ طباطبایی، پیشین، جلد ۱۶، ص ۵.



۴-۲ آیات نهی از اسراف و تبذیر از قبیل ﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾ (اعراف/۳۱) ﴿وَلَا تَبْذِرْ تَبْذِيرًا إِنَّ الْمُبْذِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا﴾ (اسراء/۲۷).

درباره این آیات چند نکته در خور توجه است: نخست آن که نهی از اسراف و تبذیر نهی تحریمی است و قرینه هایی همچون ﴿إِنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ﴾ (غافر/۴۳) ﴿وَالْمُبْذِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ﴾ (اسراء/۲۷) ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ﴾ (غافر/۲۸) بر شدت حرمت آن دلالت دارد. به گفته محقق نراقی تردیدی در حرمت اسراف نیست و اجماع قطعی، بلکه ضرورت دینی و آیات انبوه و اخبار متعدّد بر این حکم دلالت می کند.^۱

دوم اینکه، گرچه در آیه سوره اعراف نهی از اسراف در پی امر به خوردن و آشامیدن آمده است و این می تواند اختصاص را بفهماند، ولی به قرینه آیات دیگر از جمله ﴿وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا...﴾ (انعام/۱۴۱) اسراف هر گونه عمل زیاده از حد اعتدال را در بر می گیرد. هرگاه در روایات، مواردی همچون دورانداختن هسته خرما و بر زمین ریختن زیادی آب، اسراف شمرده شده است.^۲ به کارگیری بی رویه محیط زیست و اموری از قبیل قطع درختان و شکار حیوانات و هدر دادن منابع مهم آب و گیاه از بارزترین مصادیق اسراف و تبذیر محسوب می شود. به گفته علامه طباطبایی اسراف در مقوله انفاق و اصلاح حرام است چه رسد به افساد و تخریب.^۳ در آیه دوم مبذران «اخوان شیاطین» نامیده شده اند که دو معنی می تواند بیاید: نخست آن که در پیروی از شیطان و سلوک مسیر او برادر شیطان می باشند و دوم آن که در دوزخ همراه و همگن شیطان می باشند.^۴

۵-۲ ﴿وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا...﴾ (نساء/۵).

گرچه این آیه کریمه در مورد اموال ایتم و فرزندان تحت ولایت قهری سخن گفته و هر چند بحث های فقهی مشبعی پیرامون آن صورت گرفته است و فقیهان شرط بودن رشد در

^۱ نراقی، احمد بن محمد مهدی (د. ۱۲۴۵ ق.)؛ عوائد الايام، قم: مکتبه بصیرتی، الطبعة الحجرية، ۱۴۰۸ ق، ص ۲۱۷.

^۲ مجلسی، محمد باقر (د. ۱۱۱۱ ق.)؛ بحارالانوار الجامعة لدر أخبار الائمة الطاهرات، بیروت: مؤسسة الوفاء، الطبعة الثانية، ۱۴۰۳ ق، جلد ۷، ص ۳۰۳.

^۳ طباطبایی، پیشین، جلد ۷، ص ۳۶۸.

^۴ طبرسی، پیشین، جلد ۶، ص ۲۴۴؛ جصاص، پیشین، جلد ۳، ص ۲۵۸؛ قرطبی، پیشین، جلد ۱۰، ص ۲۴۷.



تصرفات مالی را از آن استفاده کرده اند، ولی به نظر می رسد تاب پذیرش معانی دیگری را هم داشته باشد، گر چه این معانی مورد غفلت واقع شده باشند. از جمله این که به قرینه اضافه شدن اموال در حالت جمع به ضمیر خطاب جمعکه جمیع آحاد مکلفان را در بر می گیرد می توان چنین استنباط کرد که اموال و ثروت های عمومی از قبیل انفال، مباحات اصلی و «مشترکات»^۱ موضوع آیه را تشکیل می دهند (منابع محیط زیست معمولاً اینگونه اند). مالک حقیقی این اموال خداوند است و همو آن را مایه قوام و معاش جامعه اسلامی قرار داده است^۲، و انهدان این اموال در دست سفیهان سبب خواهد شد که با تصرفات غیر عقلایی خود قوام جامعه را به هم زنند و در نظام معیشت مردم اخلال پدید آورند. همچنین، مفهوم سفیه در آیه کریمه تأمل ویژه ای می طلبد. بی تردید عاقل نمایانی که به ظاهر از همه ویژگی های هوشمندی و درایت برخوردارند ولی آن را در مسیر تصرفات خودخواهانه در اموال و ثروت های طبیعی صرف می کنند و حیات بشر حاضر و نسل های آینده را برای تأمین خواسته های عاجل خود در معرض تهدید جدی قرار می دهند و نیز مدیران نالایق و بی کفایتی که متصدی امور محیط زیست و بخشهای اجرایی مرتبط بدان در جوامع می گردند جملگی سفیهان هستند و نباید گذاشت این گروه سیطره خود را بر این منابع تحکیم کنند. با توجه به آیاتی همچون ﴿وَمَنْ يَرْغَبُ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ﴾ (بقره/۱۳۰)، بعید نیست اینکه بپذیریم در ادبیات قرآنی سفاهت معنا و مفهوم جدیدی یافته است. از این رو، شیخ طوسی فاسق را سفیه خوانده و عدالت را شرط خروج از حجر دانسته است.

۶-۲ إجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظٌ علیم (یوسف/ ۵۵)

این آیه یادآور آن می شود که در مقطعی که بحران طبیعی به سوی سرزمین مصر رو آورده بود، حضرت یوسف تدبیر امر ارزاق مردم را برای خود خواست و این خواسته را به این معلل کرد که از دو ویژگی حفیظ و علیم بودن برخوردار است^۳، دو ویژگی مهمی که برای تصدی مناصب حساسی همچون اداره امر ارزاق عمومی همواره به عنوان دو شرط لازم و بلکه کافی مورد نظر عقلای عالم می باشد. به نظر می رسد عبارت خزائن الارض عمومیت و شمول

^۱ مشترکات در فقه عبارتند از اشیایی که همه مردم در شرایط برابر از آن استفاده می کنند و سبقت به آنها موجب حق اولویت می شود.

^۲ طباطبایی، پیشین، جلد ۴، ص ۱۷۱.

^۳ طبرسی، پیشین، جلد ۵، ص ۴۱۸؛ طباطبایی، پیشین، جلد ۱۱، ص ۱۸۵.



دارد و کلیه ذخایر از جمله منابع محیط زیست را در بر می گیرد. پیام آیه کریمه آن است که امر تدبیر و اداره شئون محیط زیست و سرمایه های طبیعی تنها باید بر عهده اشخاصی باشد که دو ویژگی حفیظ بودن و مسئولیت شناسی و کاردانی و تخصص را دارا باشند. در خصوص حفاظت از محیط زیست در قرآن آیاتی دیگر وجود دارد که به شرح ذیل می باشد در این جا به پاره ای از این آیات و احادیث اشاره می شود:

۱۰. آیه ۶۱ سوره هود بیان می دارد: " هو انشاکم من الارض و استعمرکم فیها" یعنی خداوند شما را در زمین خلق کرد و شما را به عمارت و آباد کردن زمین گماشت. به عبارت دیگر، در این آیه به طور ضمنی تخریب زمین و محیط زیست، ممنوع شده است.

۱۱. آیه ۴۹ سوره قمر بیان می دارد: " انا کل شیء خلقناه بقدر" یعنی ما همه چیز را به اندازه خلق کردیم، از این آیه مسئله حفظ تعادل محیط زیست و منبع بهره برداری بیش از حد از طبیعت قابل استخراج است.

۱۲. خداوند ر آیه ۳۰ سوره انبیا می فرماید: " و جعلنا من الماء کل شیء حی: یعنی از آب همه چیز را زنده کردیم که دلالت بر نقش آب در زندگی و حیات موجودات زنده و لزوم حفاظت از منابع و ذخایر آبی دارد.

۱۳. در آیه ۱۳۴ سوره بقره آمده است: " و ما انزل الله من السماء من ماء فاحیا به الارض بعد موتها" یعنی خداوند آب را نازل کرد و زمین مرده را بوسیله آب زنده کرد. این آیه حکایت از نقش آب (و حفاظت از آن) در حیات موجودات زنده دارد.

۱۴. در اهمیت نقش آب آیه ۹۹ سوره انعام می فرماید: " و هو الذی انزل من السماء ماء فاخرجنا به نبات کل شیء " یعنی خداوند آب را از آسمان فرستاد و به وسیله آن همه چیز را خلق کرد.

۱۵. در آیه ۱۱ سوره بقره آمده است " واذ قبل لهم لا تفسدوا فی الارض قالوا انما نحن مصلحون " یعنی چون به آنان گویند در زمین فساد نکنید، می گویند ما اصلاح گریم. در واقع این آیه ما را به دوری از هر گونه فساد در زمین (از جمله تخریب محیط زیست) دعوت می نماید..

۱۶. در آیه ۶۰ سوره بقره آمده است: " کولوا و اشربوا من رزق الله و لا تعثوا فی الارض مفسدین " یعنی از روزی خدا بخورید و بیاشامید و طبکارانه در زمین فتنه و



آشوب (مانند تخریب طبیعت) بر پا نکنید.

۱۷. خداوند در آیه ۲۰۵ سوره بقره می‌فرماید: "و اذا تولی سعى فى الارض لىفسد فيها و یحلك الحرث و النسل و الله لا یحب الفساد." یعنی هنگامیکه، (دشمن سرسختی) قدرت و حکومت یابد می‌کوشد که در زمین فساد و تباهی به بار آورد و زراعت و نسل را نابود کند و خدا فساد و تباهی را دوست ندارد.

۱۸. بر اساس حدیثی از پیامبر اسلام (ص) نقل شده است که ایشان فرمودند: از زمین محافظت کنید بدرستی که آن مادر شماست.

بند سوم: سنت

پس از قرآن کریم، سنت گرانسنگ هم به مقوله محیط زیست و مراقبت از آن عنایت ویژه‌ای داشته است. این مطلب با دقت در مضامین روایات انبوهی که کیفیت تعامل با جانوران، گیاهان، اشجار و غیره را بیان می‌کند، به درستی معلوم می‌شود. روح کلی این روایات ایجاد حس مسئولیت در برابر پدیده‌های طبیعی و موجودات پیرامون است. این امر در نخستین خطبه امام علی(ع) در بدو خلافتش تجلی یافته است، آن‌جا که می‌گوید: اتقوا الله فی عباده و بلاده فانکم مسئولون حتی عن البقاع والبهائم.^۱ علامه مجلسی در شرح این عبارت می‌نویسد: والسؤال عن البقاع لم أخرجتم هذه و لم عمرتم هذه و لم تعبدا لله فیها و عن البهائم لم أجمعتموها أو أوجعتموها و لم تم تقوموا بشأنها و رعايتها حقها.^۲ سؤال از زمینها آن‌که چرا این زمین را ویران و دیگری را آباد کردید و چرا خداوند را در آن نپرستیدید و سؤال از چهارپایان آن‌که چرا آنها را گرسنه رها کردید و به درد آوردید و رعایت حقشان ننمودید؟ معلوم می‌گردد مسئولیت انسان در قبال پدیده‌ها و اشیای پیرامون بسیار جدی و همه‌جانبه است.

ذیلاً چند دسته روایت در موضوعاتی چند به همراه سخنان نکته‌سنگانه فقیهان ذکر می‌شود:

۱-۳ جنگ مظهر رفتار خشن انسان در برخورد با هم‌نوع و اشیاء و محیط پیرامون است که نتیجه مستقیم آن ویرانی و از دست رفتن تعادل جمعیت انسانی و منابع طبیعی می‌باشد و

^۱ نهج البلاغه، خطبه ۵.

^۲ مجلسی، پیشین، ص ۲۹۰.



آن گاه که جهاد مشروع عنوان یابد، در شمار وظایف قطعی انسان قرار می گیرد. سیره پیامبر اکرم در جنگ ها و سفارش های ایشان به امرای سرایا بر این دلالت می کند که مقتضیات روانی جنگ و جهاد نباید سبب شود از جنگجویان رفتار غیرمتمعارف سرزند و بی محابا به تخریب حداکثری دست زنند و با اشیای پیرامون خود برخورد غیر مسئولانه کنند. از جمله روایت مسعده بن صدقه از امام صادق (ع) قابل توجه است که فرمود: *إِنَّ النَّبِيَّ إِذَا كَانَ بَعَثَ أَمِيرًا لَهُ عَلَى سَرِيَّةٍ أَمَرَهُ بِتَقْوَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي خَاصَّةٍ نَفْسِهِ ثُمَّ فِي أَصْحَابِهِ عَامَّةٍ ثُمَّ يَقُولُ: أَغْزِ بِسْمِ اللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ قَاتِلُوا مَنْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَلا تَغْلُوا وَلا تَمُوتُوا وَلا تَقْتُلُوا وَلِيدًا وَلا مَبْتَلًا فِي شَاهِقٍ وَلا تَحْرِقُوا النَّخْلَ وَلا تَغْرِقُوا بِالْمَاءِ وَلا تَقْطَعُوا شَجَرَةً مَثْمَرَةً وَلا تَحْرِقُوا زَرْعًا وَلا تَدْرُونَ لِعَلَّكُمْ تَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ وَلا تَعْرِقُوا مِنَ الْبَهَائِمِ مِمَّا يُوْكَلُ لِحِمِّهِ إِلَّا مَا لَا بَدَّ مِنْ أَكْلِهِ...*^۱ فقیهان این قبیل وصایا را در زمره آداب جنگ و جهاد آورده اند. بی تردید، در شرایط استثنایی و بحرانی، اهداف و مقاصد اصلی جنگ به قدری اهمیت می یابد که برخی اقدام های غیر متمعارف را هم توجیه پذیر می کند. به طور مثال وقتی فقیهان در باب تترس قتل مسلمان بی گناه را تجویز می کنند، تخریب محیط زیست و اتلاف منابع آن به طریق اولی توجیه پذیر می دانند. از این رو، پیامبر اکرم (ص) خود در جریان بنی نضیر به قطع درختان نخل امر نمود و در این راستا فقیهان از کراهت قطع اشجار و افکندن آتش و تسلیط آب در غیر موارد ضرورت سخن گفته اند.^۲ ولی به نظر می رسد در غیر ضرورت وجهی برای حمل نواهی پیامبر در روایت پیشگفته بر کراهت نباشد، بلکه حمل آن ها بر حرمت اولی است.

۲-۳ حقوق حیوانات

بخش مهمی از احکام شریعت به موضوع حقوق حیوانات و تبیین وظایف انسان در قبال آن ها اختصاص دارد. اهمیت حق حیوان در فقه اسلامی تا آن جا است که شماری از فقیهان آن را در زمره حق الله دانسته اند.^۳ آنچه از مباحث فقهی در کتاب لقطه پیرامون وظایف انسان در قبال لقطه حیوان و لزوم صیانت از حیات و تأمین نفقه او آمده است در همین

^۱ حرّعاملی، محمد بن حسن (د. ۱۱۰۴ ق.)؛ وسائل الشیعة الیه تحصیل مسائل الشریعة، بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی تا، جلد ۱۱، ص ۴۴ و کلینی، محمد بن یعقوب (د. ۳۲۹ ق.)؛ الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیة، الطبعة الثالثة، ۱۳۸۸ ق، جلد ۵، ص ۲۹.

^۲ شهید ثانی، زین الدین بن علی (د. ۹۶۶ ق.)؛ الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم: مکتب الاعلام اسلامی، بی تا، جلد ۳، ص ۲۵.

^۳ نجفی، محمد حسن (د. ۱۲۶۶ ق.)؛ جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تهران: دارالکتب الاسلامیة، الطبعة الثالثة، جلد ۲۷، ص ۱۱۱.



چهارچوب تحلیل می‌شود.^۱ در این باره می‌توان تحت عناوینی چند بحث نمود:

۱-۲-۳ حق حیات جانوران: روایات چندی از کشتن بی رویه جانوران نهی می‌کند. از آن جمله است روایت امام صادق(ع): «أخبرني أبي عن جدّي إن رسول الله نهى عن قتل سِتَّةٍ، النحلة و الضفدع و الصرد و الهمد و الخطاف»^۲ و احادیث دیگری همچون «لاتذبحن ذات درة»^۳ و حدیث مناهی پیامبر اکرم (ص) که در آن از کشتن زنبور عسل نهی شده است.^۴

دستورهای فقهی در باب ممانعت از صید در حالت احرام هم می‌تواند با عنایت به این مسأله تحلیل شود و روایت معاویه بن عمار از امام صادق(ع) که: «اتق قتل الدّ و ابّ کلّها الّا الافعی والعقرب والغارة... و الحیة اذا ارادتک فاقتلها و إن لم تردک فلا تردها»^۵ معلوم است که مقررات فقهی در حالت احرام حج بیانگر اوج تعادل رفتاری آدمی است که بقا و استمرار آن در غیر حالت احرام هم مطلوب می‌باشد. روایت شده است در جریان خیبر مسلمانان به سختی گرسنه شدند و به سوی چهارپایان خود شتافتند تا آن‌ها را ذبح و طبخ کنند. اما پیامبر(ص) ایشان را از این کار نهی کرد. امام باقر(ع) در این باره فرمود: «نهی رسول الله(ص) عن أكل لحوم الخیبر و إنما نهی عنها من أجل ظهورها مخافة أن یفنوها»^۶ از تعلیل ذیل حدیث چنین برمی‌آید که نهی پیامبر در مقام مصلحت اندیشی و از بیم از بین رفتن چارپایان که وسیله رکوب مسلمانان در آن روز بودند، بوده است. شاید بتوان گفت از آنجا که کثیری از گونه‌های جانوری برای زندگی بشر منافع مهمی را به بار می‌آورد، نهی پیامبر قابل تعمیم بوده و بر این پایه کشتار بی رویه که نسل جانوران را در معرض انقراض قرار دهد، امر نکوهیده‌ای است.

در موضوع حق حیات جانوران بحث‌های ظریف فقهی دیگری نیز وجود دارد. به طور مثال شهید ثانی صرف مال برای نجات حیات چارپا را گر چه ملک دیگری باشد واجب می‌داند و

^۱ محقق حلی، جعفر بن حسن (د. ۶۷۶ ق.)؛ شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، تهران: انتشارات استقلال، الطبعة الثانية، ۱۴۰۹ ق،

جلد ۴، ص ۸۰۸.

^۲ طوسی، پیشین، ص ۲۰.

^۳ حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (د. ۴۰۵ ق.)؛ المستدرک علی الصحیحین، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۰۶ ق، جلد ۴، ص ۱۳۱.

^۴ حرعاملی، پیشین، ص ۳۰۹.

^۵ طوسی، همان.

^۶ همان، ص ۳۲۴.



سپس می گوید: اگر انسان سگ گرسنه و گوسفند گرسنه ای داشته و طعام به قدر کفایت نداشته باشد اطعام گوسفند بر او واجب است.^۱ صاحب جواهر بر او خرده گیرد و احتمال اولویت داشتن سگ را مطرح می کند؛ چرا که گوسفند را می توان ذبح نمود ولی درباره سگ چنین نیست.^۲

۲-۳ بهداشت محیط زیست حیوان: در روایت عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) آمده است: قال رسول الله (ص) نظّفوا مرائبها و امسحوا رغامها.. شهید ثانی تأمین نیازمندی های درمانی و دارویی حیوان را در حکم نفقه آن می داند. صاحب جواهر پس از این سخن محقق حلی که از جمله مکروه ها ادرار کردن در لانه جانداران و حشرات است، می نویسد: در این حکم به مخالفی برنخوردم مگر آن که از ظاهر هدایه صدوق نقل می شود که گفته است: این کار بالاتر از کراهت ناروا است. وی سپس به نقل از شماری از فقیهان علّت این حکم را امکان اذیت رساندن آن جانوران به انسان می داند. به نظر می رسد بتوان علّت حکم را جلوگیری از آلوده کردن محیط زیست جانوران یا نکوهیدگی بی حرمتی به آن ها دانست. ۳-۲-۳ حق تولید مثل: در برخی روایات، صاحبان چارپایان از عقیم سازی آن ها نهی شده اند از قبیل روایت برقی از امام صادق «عن أبيه انه كره اخصاء الدّواب و التحريش بينهم»^۳ بی گمان این قبیل دستورها به هدف بقای نوع چارپایان صادر شده است.

۴-۲-۳ نهی از آزار حیوان و مسئولیت مدنی و کیفری ناشی از آن: در روایتی از پیامبر اکرم (ص) آمده است که زنی دوزخی شد چون گربه ای را حبس کرد و مانع دسترسی او به خوردنی و نوشیدنی شد تا آن که آن بمرد و زنی فاجر نیز مشمول مغفرت الهی قرار گرفت چون بر سگ گرسنه ای ترخم آورده و او را به دشواری سیراب کرد.

روایات انبوهی هم در زمینه نهی از هر گونه آزار رساندن بی جهت به حیوان و ضرب و جرح و قطع اعضای آن وارد شده است. در این باره فقیهان دیه جنایت بر حیوان را ثابت دانسته اند.^۴ شیخ طوسی در باب «الجنايات على الحيوان» مجموعاً یازده روایت درباره دیه جنایت

^۱ شهید ثانی، زین الدّین بن علی (د. ۹۶۶ ق.)؛ مسالک الافهام، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، الطبعة الاولى، ۱۴۱۳ ق، ص ۲۵۰.

^۲ نجفی، جلد ۳۶، ص ۴۳۷.

^۳ برقی، احمد بن محمد بن خالد (د. ۲۷۴ ق.)؛ تهران: المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، بی تا، جلد ۲، ص ۶۳۴.

^۴ خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران (د. ۱۳۶۹). تحریر الوسیله، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ

سوم، ۱۴۰۸ ق، جلد ۲، ص ۶۰۳.



بر حیوان آورده است. همه تقادیر بر شمرده شده در این روایات بر فرض آن است که حیوان مالک خصوصی داشته و از باب جبران خسارت باشد. اما اگر تحت مالکیت معین نباشد، بعید است این رفتارهای جنایت آمیز را بدون مسئولیت بیابیم. از این رو در مواد ۶۷۹ و ۶۸۰ قانون مجازات اسلامی از مجازات های تعزیری در این باره سخن به میان آمده است.^۱

۳-۳ حفاظت حیات گیاهان: حفاظت از حیات گیاهان و اهتمام به احیای طبیعت از دیگر مسائل مورد عنایت شریعت می باشد. روایات زیادی در باب نهی از قطع درختان وارد شده است. از جمله روایت مسعده از امام صادق (ع) از پیامبر اکرم (ص) که فرمود: « لا تحرقوا النخل و لا تغرقوا بالماء و لا تقطعوا شجرة مثمرة و لا تحرقوا زرعاً... » و روایت دیگری از امام صادق (ع): « لا تقطعوا الثمار فیصّب الله علیکم العذاب صباءً » و صدها روایت در زمینه تشویق به زرع و درختکاری از قبیل روایت امام صادق (ع): « ازرعوا و اغرسوا والله ما عمل الناس عملاً احل و اطيب منه » و « خیر الاعمال زرع یزرعه یاکل منه البر و الفاجر » و روایت منابع اهل سنت از پیامبر (ص): « ما من مسلم یرس غرساً أو یرزع زرعاً فیا کل منه انسان او طیر او بهیمة الا کانت به صدقة ».^۲

طرح دو قرارداد مزارعه و مساقات در عقود اسلامی و احکام مبسوط آن دو هم در این راستا تحلیل می شود. شهید ثانی از وجوب آبیاری درختی که به امانت به شخصی سپرده شده است سخن به میان می آورد و از گفتار صاحب جواهر امکان اجماعی بودن این حکم استفاده می شود.^۳

یکی از مباحث مهم فقهی احیای اراضی موات است که مباحث آن یکی از فصول مهم فقه را مستقلاً به خود اختصاص داده است. طبق نظر مشهور فقهی احیا و آبادانی اراضی موات موجب پدید آمدن حق و ملک برای محیی می شود. مستند آن روایاتی چند است. از جمله حدیث نبوی «من احیا أرضاً فهي له»^۴ و «من اعمر ارضاً لیست لاحد فهو احق» و روایت امام باقر (ع): « ایما قومٌ احیوا شیئاً من الارض أو عمروها فهي احق بها و هی لهم ». به این مسأله باید به عنوان یکی از ساز و کارهای مهم تشویقی شریعت برای احیای زمین و طبیعت

^۱ قانون مجازات، فصل ۲۵، از کتاب پنجم تعزیرات و مجازات های بازدارنده

^۲ بخاری، محمد بن اسماعیل (د. ۲۵۶ ق.)؛ صحیح البخاری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۱ ق، جلد ۳ ص ۶۶.

^۳ شهید ثانی، پیشین، ص ۱۰۹.

^۴ بخاری، پیشین، ص ۶۶.



نگریست. اهمیت آن زمانی بیشتر نمایان می‌شود که به عقیده بسیاری از فقیهان، زمین احیا شده اگر دوباره بایر شود و سپس توسط دیگری احیا گردد، احیای دوم خود سبب تازه ای برای تملک محیی دوم است و این زمین با بایر شدن از ملک محیی نخست خارج می‌شود.^۱ مستند این رأی روایاتی همچون صحیحه ابوخالد کابلی و صحیحه معاویه بن وهب از امام صادق (ع) می‌باشد. از آنجا که به گفته صاحب جواهر مرجع در تعیین کیفیت احیا، عرف است^۲ بی گمان کشت و درختکاری، جاری کردن نهر، اجرای طرح های آبیاری، احیای مراتع و مانند آن از بالاترین مصادیق احیا می‌باشد.

۳-۴ آلوده کردن منابع محیط زیست

۳-۴-۱ نهی از آلوده کردن آب: روایات زیادی دالّ بر کراهت و زشتی آلوده کردن آب می‌باشد. از آن جمله روایاتی که در آن ها از ادرار کردن در آب نهی شده است، از قبیل روایت مسمع از امام صادق در باب مناهی پیامبر (ص): « نهی أن یبول الرجل فی الماء الجاری إلّا من ضرورة و قال إنّ للماء أهلاً » و روایت فضیل از امام صادق (ع): « لا بأس بأن یبول الرجل فی الماء الجاری و کره أن یبول فی الماء الرّاکد » و روایت عنبسه بن مصعب و ابن بکیر و سماعه از ایشان و حدیث جابر از پیامبر: « نهی أن یبال فی الماء الرّاکد » و روایت ابوهریره: لا یبولن أحدکم فی الماء الدائم ثمّ یتوضأ منه^۳

صاحب جواهر گوید: « چهار دسته روایت در این باره رسیده است: روایاتی که به طور مطلق بر نهی از این کار دلالت دارد، روایاتی که نهی از ادرار در آب راکد نموده است که فراوان می‌باشد، روایاتی که مشتمل بر نهی از ادرار در آب جاری است و روایاتی که این کار را در آب جاری بی اشکال دانسته است. او در مقام جمع بین این روایات می‌گوید: « بعضی نفی بأس در برخی روایات را بر کراهت خفیف تر این کار در آب جاری حمل کرده اند و برخی هم نفی بأس را با کراهت قابل جمع دانسته اند. شکی نیست روح این حکم پرهیز از آلوده کردن آب به هر طریق ممکن است، چنان که صاحب مصباح الفقیه می‌نویسد: « عن أكثر الاصحاب الحاق الغائط بالبول و لعله لفحوی ما يستفاد من تعلیل کراهة البول فی بعض

^۱ محقق سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن (د. ۱۰۹۰ ق.)؛ کفایة الاحکام، اصفهان: الطبعة الحجرية، مدرسه صدر مهدوی، بی تا، ص ۷۰.

^۲ نجفی، پیشین، ص ۶۵.

^۳ ابن حنبل، احمد بن محمد، (د. ۲۴۹ ق.)؛ مسند احمد بن حنبل، بیروت: دارصادر، بی تا، ص ۲۸۸.



الاخبار بأنّ للماء أهلاً» اکثر فقیهان امامیه حکم غائط را هم به بول ملحق دانسته اند و این ناشی از فحوای تعلیلی است که از روایات استفاده می شود، اینکه در آب بول نکنید زیرا در آن ساکنانی به سر می برند^۱. معلوم می شود عنایت ویژه شریعت در این باب به حفظ حیات آبزیان و موجودات زنده درون آب می باشد. به خوبی می توان حدس زد شدت کراهت این کار در آب راکد و عدم شدت آن در آب جاری با میزان آلوده شدن آب ارتباط مستقیم دارد. بر این اساس روش های پیچیده آلوده شدن آب در زندگی صنعتی امروز که مهم ترین منبع حیات آدمی و دیگر جانداران را مورد تهدید قرار داده است به مراتب از کراهت بیشتری برخوردار می باشد.

روایات مربوط به رعایت فاصله بین بئرو بالوعه هم بر جلوگیری از آلوده کردن آب دلالت می کند (طوسی، الاستبصار، ۴۵/۱). از این روایات می توان به عنوان دستورالعملی برای حفاظت از منابع آب زیرزمینی استفاده کرد.

۲-۴-۳ نهی از آلوده کردن زمین: در روایاتی چند از کراهت آلوده کردن زمین سواحل رودخانه ها، طرق، زیر درختان میوه دار و استراحتگاه های مردم سخن به میان آمده است، از قبیل حدیث مناهی پیامبر اکرم (ص) «وکره أن يحدث الرجل تحت شجر أو نخله قد أثمرت» «وکره البول على شط نهر جار» «و لعن الله المتغوط في ظلّ النّزال» و مانند آن. صاحب حدائق نیز در این باره می نویسد: از ظاهر سخن فقیهان امامی به ویژه متأخران حکم به کراهت همه موارد استفاده می شود. البته مفید در مقنعه در این مواضع تعبیر به عدم جواز کرده است و صدوق در فقیه از تغوط در سایه درختان و زیر درختان میوه دار تعبیر به عدم جواز کرده است و صاحب ریاض قطع به جواز یافتن در این موارد را مشکل می داند.

۳-۴-۳ نهی از آلوده کردن هوا: گرچه مسأله آلودگی هوا از مسائل حادث در زندگی بشر امروز است که به دلیل فزونی جمعیت و پیشرفت صنایع و تراکم کارخانه ها و وسایل حمل و نقل، استفاده روزافزون از انرژی سوخت فسیلی و نیز شرایط تحمیل شده بر بشریت در جریان درگیری های منطقه ای و جهانی و به کارگیری سلاح های میکروبی و شیمیایی و هسته ای به تهدیدی جدی برای حیات بشر تبدیل شده است، ولی در بعضی از عبارات های فقهی و احادیث نشانه هایی در دست است که به کمک آن می توان موضع شریعت در آن

^۱ همدانی، آقا رضا (د. ۱۳۲۲ ق.)؛ مصباح الفقیه، مکتبه الصدر، الطبعة الحجرية، ص ۹۳.



باره را به طور خاص به دست آورد. به طور مثال محقق حلی در شرایع الاسلام از حرمت القای سم در بلاد مشرکین در اثنای جهاد اسلامی سخن به میان می‌آورد. جواهر همین نظر را از نهاییه، غنیه، سرایر، مختصر النافع، تبصره، ارشاد، دروس و جامع المقاصد نقل می‌کند که اغلب آن‌ها مقید دانسته‌اند به اینکه نسبت به این عمل اضطراب حاصل نباشد و فتح و ظفر هم بدان موقوف نباشد. دلیل این حکم را روایت سکونی از امام صادق (ع) دانسته‌اند: «انَّ النَّبِيَّ نَهَى أَنْ يُلْقَى السَّمُ فِي بِلَادِ الْمُشْرِكِينَ. بَرَخِي هَمْچُونِ قَوَاعِد، تَحْرِير، تَذَكُّر، لَمَعه و روضه خبر مزبور را به علت قصور سندی حمل بر کراهت کرده‌اند و جواهر خود معتقد است راوی خبر یعنی سکونی مقبول الروایه بوده و حتی بر عمل به اخبار وی اجماع حکایت شده است. او سپس گوید: «قَدْ يَقَالُ أَنَّهُ ظَاهِرٌ فِي النَّهْيِ عَنِ الْقَائِهِ فِي الْبِلَادِ لَا سِتْلَازِمَهُ قَتْلُ الْأَطْفَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الشِّبْوَخِ وَ مَنْ فِيهِمْ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَ نَحْوِ هَمْ مَمَّنْ يَحْرَمُ قَتْلَهُمْ» می‌توان گفت: این روایت در نهی از انتشار سم در بلاد مشرکان ظاهر است. چرا که این کار به قتل کودکان و زنان و پیران و مسلمانان ساکن و اشخاص دیگری که قتلشان مباح نیست می‌انجامد. از این دیدگاه فقهی مترقی به خوبی می‌توان تکلیف انواع آلاینده‌های هوا در جهان معاصر را دریافت، اعم از آنچه که در شرایط صلح با ازدیاد عمل سوختن و احتراق در صنعت یا نشت گازهای سمی در فضا روی می‌دهد آنچه و یا در اثر ساخت و انباشت و به کارگیری سلاحهای غیر متعارف در جریان جنگ‌ها به وقوع می‌پیوندد.

بخش سوم: نگاهی به اصل اباحه در استفاده و بهره‌برداری از محیط زیست

در هنگام شک در احکام فقهی و نداشتن دلیل معتبر شرعی، معمولاً اصولی وجود دارد که فقیهان حکم اولیه آن مسائل را با توجه به اصل مربوط به آن مسئله صادر، و سپس بیان می‌کنند که صدور حکم بر خلاف این اصل به دلیل و اثبات نیاز دارد. بنابراین، اگر حرمت یا کراهت یک عمل با دلیل معتبر شرعی اثبات شود، آن عمل حرام یا مکروه، و چنانچه چنین دلیلی وجود نداشته باشد، آن عمل حلال و مباح خواهد بود؛ به این آزادی انسان‌ها در انجام دادن اعمال دلخواه خود، در اصطلاح اصل اباحه یا جواز گفته می‌شود. در مورد استفاده انسان از محیط زیست نیز همین اصل جاری است و او اجازه دارد تا از محیط اطرافش به هر شکل که خواسته باشد استفاده کند، مگر اینکه نوع خاصی از استفاده او، مشمول حکم ممنوعیت یا حرمت شده باشد. در همین زمینه، علم اصول اثبات کرده که اصل در اشیاء، اباحه و آزاد بودن است، مگر اینکه ممنوعیت با دلیل قطعی و یقینی اثبات



شود؛ بدین معنا که انسان ها در تمام کارهایی که انجام می دهند آزادند و هیچ ممنوعیتی در کار نیست و همه امور برای آنها مباح است، مگر اینکه خلاف آن با دلیل قطعی و یقینی اثبات شود (ر.ک: شهید ثانی، ۱۴۱۳ق). دلیل ذکرشده به خوبی بر آزادی انسان در تمام شئون زندگی، و از جمله در استفاده از محیط زیست دلالت دارد. افزون بر این، می توان برای اثبات آزادی انسان در استفاده از محیط زیست، به دلیل های عقلی همچون قبح عقاب بلا بیان نیز استناد کرد. براساس این دلیل، چنانچه استفاده خاصی از محیط زیست حرام و ممنوع باشد، شارع مقدس باید آن را بیان کند، وگرنه مؤاخذه بدون بیان قبیح خواهد بود.^۱ بنابراین انسان در استفاده از محیط زیست، تا زمانی که حرمت اثبات نشود، آزاد است.

نتیجه گیری

نهایتاً در جمع بندی و نتیجه گیری پایانی مقاله حاضر باید گفت متأسفانه بسیاری افراد احساس می کنند حفظ محیط زیست تنها وظیفه ی فعالان این حوزه است اما باید دانست تمام انسان ها در برابر آن مسئول هستند. برای حفظ محیط زیست راهکارهای بسیاری ارائه شده است که در زیر به نمونه هایی از آن اشاره می شود.

اولین قدم آموزش است. فرهنگ سازی و آگاهی رسانی از طریق آموزش امکانپذیر است. اگر انسان ها از اهمیت محیط زیست آگاهی یابند دوستانه تر رفتار خواهند کرد. پس با آموزش، مخصوصاً برای کودکان، می توان گامی بلند در این راستا برداشت.

یکی از راهکارهای ساده که بسیاری بی تفاوت از کنار آن می گذرند تفکیک زباله است. با توجه به اینکه بسیاری از مواد قابل بازیافت هستند می توان با تفکیک زباله این مواد را به دست کسانی که در این کار مشغول هستند رساند. همچنین بسیاری با طول عمر زباله های رها شده در طبیعت آشنا نیستند و خیلی راحت زباله های خود را در محیط رها می کنند پس اقدام دیگر برای حفظ محیط زیست جمع آوری زباله ها از منابع طبیعی است.

جنگل زدایی معضل این روزهای محیط زیست است زیرا بسیاری از افراد بدون برنامه اقدام به قطع درختان می کنند. می توان با کاشت درختان سریع الرشدی مانند صنوبر در جنگل های مصنوعی، بخشی از نیاز چوب را از منابعی به غیر از جنگل تامین کرد. قطع درختان فقط کمبود اکسیژن و آلودگی هوا را در پی ندارد بلکه سبب فرسایش خاک و لغزش زمین

^۱ مظفر، محمدرضا (۱۳۶۸)، اصول الفقه، ج سوم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ص ۲۵۱.



نیز می شوند. برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه می‌توانید به «محیط زیست چگونه از طریق قطع شدن روزافزون درختان آسیب می‌بیند؟» مراجعه کرده یا بر روی کلمه‌ی اینجا کلیک کنید.

سال‌ها طول می‌کشد تا پلاستیک در طبیعت تجزیه شود. شاید با رها نکردن پلاستیک‌ها در طبیعت بتوان به محیط زیست کمک کرد اما کافی نیست. حذف پلاستیک‌ها یا کاهش مصرف آنها نه تنها به حفظ محیط زیست کمک می‌کند بلکه برای سلامتی انسان‌ها نیز ضروری است. هر فرد تا جایی که امکان پذیر است با کاهش مصرف پلاستیک می‌تواند به حذف این ماده از چرخه صنعت کمک کند.

بخشی از آلودگی هوا حاصل سوخت بنزین اتومبیل‌ها است. استفاده کمتر از وسیله نقلیه شخصی و استفاده بیشتر از وسایل حمل و نقل عمومی سبب کاهش آلودگی هوا می‌شود. کاهش مصرف ظروف یکبار مصرف کمک بزرگی به حفظ محیط زیست می‌کند. استفاده از این قبیل ظروف علاوه بر تولید زباله، آلودگی‌ها بسیاری را نیز به وجود می‌آورد. همچنین باید دانست این ظروف جز موادی هستند که به سختی در طبیعت تجزیه می‌شوند. امروزه بی‌معنا ترین عملی که یک انسان می‌تواند انجام دهد، شکار است. در گذشته اگر شکاری صورت می‌گرفت برای تامین غذا بود اما امروزه دیگر برای تامین غذا نیازی به شکار نیست. باید از شکار خودداری و با کسانی که به صورت غیر قانونی این عمل را انجام می‌دهند مبارزه کرد.



منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- تقی زاده انصاری، مصطفی، حقوق محیط زیست در ایران، چاپ اول، انتشارات سازمان مطالعه، تدوین کتب علوم انسانی (سمت) قم، زمستان ۱۳۷۴.
- حسینی، منصوره، تدابیری بین المللی حفاظت از محیط زیست در قبال آلودگی اتمی و پرتو افکنی،
- رامتین، بهنام، ضمانت اجراهای حقوق بین المللی در کنوانسیون تجارت گونه های در معرض انقراض گیاهی و جانوری، فصلنامه علمی سازمان حفاظت از محیط زیست، شماره ۳۶، سال ۱۳۸۰، ص ۶۵-۶۰
- سیمون، پاین، اهرم های اجرایی قوانین مربوط به محیط زیست بحث تطبیقی بین حقوق آمریکا و انگلیس با نگرش به قانون آب های تمیز آمریکا، ترجمه حشمت الله سماواتی.
- عبارزاده، محمد، موقعیت قانون دادگستری و پلیس در انگلستان.
- قاسمی، ناصر، حقوق کیفری محیط زیست، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۸۰، ص ۱۵۴
- قاسمی، ناصر، حقوق کیفری محیط زیست، (مطالعه تطبیقی در حقوق ملی و بین المللی) چاپ اول، انتشارات غزال، تهران ۱۳۸۴.
- قوام؛ میر عظیم، حمایت کیفری از محیطی زیست، چاپ اول، انتشارات سازمان حفاظت از محیط زیست، تهران ۱۳۷۴، ص ۱۲۹-۱۲۷
- کیس الکساندر، فرید لانگ وین، اچ سند پیتر، حقوق محیط زیست، ترجمه محمد حسن حبیبی، جلد دوم، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، بهار ۱۳۸۴.
- گزارش سازمان بازرسی کل کشور، تشدید مجازات متجاوزین به منابع طبیعی از طریق اصلاح قوانین.
- مجموعه قوانین و مقررات حفاظت از محیط زیست، انتشارات سازمان حفاظت از محیط زیست، مهر ۱۳۸۳.
- موحب، محمد علی، در هوای حق و عدالت از حقوق طبیعی تا حقوق بشر، چاپ اول، نشر کارنامه، تهران ۱۳۸۱، ص ۱۶۷-۱۲۵



- مهدیان، محمد حسین؛ "بررسی وضعیت تخریب اراضی در ایران"؛ مقاله ارائه شده در سومین همایش ملی فرسایش و رسوب، ۱۳۸۴،
- مهرپور، حسین، نظام بین المللی حقوق بشر، چاپ دوم، انتشارات اطلاعات، تهران ۱۳۸۳
- هداوند، مهدی، تقریرات درسی "ضمانتهای حقوقی حفاظت از محیط زیست" دوره کارشناسی ارشد حقوق محیط زیست، دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی ۸۵-۸۶
- هلالیان، هلنا، موسسه ماکس پلانک، محله علمی تخصصی حقوق عمومی، شرکت ایران چاپ، شماره سوم، آذر ۱۳۸۶.

ب) منابع لاتین

- "The national View of Air pollution", Online at <http://www.rrcap.uuep.org/issues/air/maledec/Baseline/Iran/Irancui.htm>
- Canivet(G), Lavrysen (L) & Guihal (D), Manuel judiciaire de droit de l'environnement, (sous la redaction de), Programme des Nations unies pour l'environnement, Nairobi, 2006, p.33
- UNEP Governing council RES. 20/10 land degradation , 5 February 1999.
- "soil framework anf impact Assessment dirivtive ", EU council, 22 Sep..2006
- UK environmental Quality standards, EPA, august 1991
- "guidelines for investigation and counterneasures for soil and groundwater pollution", EPA , nov. 1994
- Wpplley QC, David Pugh Smith, John, Longman, Richard and Upton, William, Elvironmental Law (Oxdord University Press, 2000)P.877